

فرهنگ سیاسی مطلوب نظام سیاسی در قرآن

Mafiforootan@gmail.com

امیرحسین مافی / دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم ع

محمدجواد نوروزی فرانی / دانشیار گروه علوم سیاسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع

دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

چکیده

فرهنگ سیاسی، چگونگی مواجهه با موضوعات سیاسی است که با بررسی سه شاخص (شناختی، عاطفی و ارزشی) در افراد سنجش می‌شود. این پژوهش به مطالعه فرهنگ سیاسی مطلوب نظام سیاسی از دیدگاه قرآن با توجه به آموزه‌های گابریل آلموند می‌پردازد و الگوی تحلیل آن، روش کیفی نظریه‌زمینه‌ای است. بر این اساس، در ابتدا داده‌های قرآنی مرتبط با نظام‌های سیاسی الهی و طاغوتی، گردآوری شد و نحوه تأثیرشان بر شاخص‌های فرهنگ سیاسی مشخص گردید؛ سپس با توجه به نتایج، مقولات محوری و هسته‌ای استخراج و نظریه متناظر با آن‌ها تدوین شد. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی مطلوب فرهنگ سیاسی قرآنی در عرصه نظام سیاسی، مشارکتی است؛ زیرا از منظر قرآن، وجود زمینه‌های عینی در نظام الهی و رهبران، مانند بسترسازی اجرای دستورات الهی، تعلیم و تربیت، وحدت‌گرایی، مدارا، عمل به پیمان‌ها و عدالت، سبب ایجاد شاخص‌های سیاسی مثبت در رابطه نظام سیاسی و رهبران و تولید فرهنگ سیاسی مشارکتی می‌شود و در مقابل، وجود عناصری همچون شرک، دعوت به خود، ظلم و انحصارطلبی در نظام‌های طاغوتی و رهبران آن، مولد شاخص‌های سیاسی منفی و فرهنگ سیاسی محدود است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، فرهنگ سیاسی، نظام سیاسی، رهبران، مشارکت.

مقوله فرهنگ سیاسی و نوع مواجهه افراد در قبال موضوعات سیاسی را می‌توان در سه ساحت نظام، فرایند و سیاست‌گذاری بررسی کرد و این نوشتار بر آن است تا با استفاده از آموزه‌های گابریل آلموند، فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن در ساحت نظام را واکاوی کند. از منظر وی، جهت‌گیری‌های افراد نسبت به نظام و موضوعات سیاسی با سه گانه «احساسات»، «شناخت‌ها» و «ارزش‌های سیاسی» سنجش می‌شوند که کشف عوامل و ملاک‌های مؤثر بر تولید سه‌گانه یادشده در قرآن، بیانگر نوع فرهنگ سیاسی قرآنی است.

شناخت فرهنگ سیاسی، ما را در اجرای بهتر سیاست‌ها و انجام سرمایه‌گذاری‌های لازم بر روی عوامل اجتماعی یاری می‌رساند و راهنمای ایجاد تغییرات مورد نظر در سیاست یک ملت است. بنابراین، شناخت فرهنگ سیاسی قرآنی مقدمه سیاست‌گذاری فرهنگی و سیاسی در بعد کلان است. افزون بر این، بسط فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن با تأثیرگذاری مستقیم بر کیفیت مشارکت جامعه ایمانی، به افزایش مشارکت سیاسی می‌انجامد و افراد را در برابر راهدرد، سیاست‌ها و تصمیمات نظام حساس می‌کند و سهم بسزایی در تقویت و نیل به مردم‌سالاری دینی دارد.

پرسش اصلی پژوهش این است که فرهنگ سیاسی مطلوب نظام سیاسی در قرآن چیست؟ بدین منظور باید دید ملاک‌های قرآنی که بر جنبه‌های شناختی و ملاک‌های ارزشیابی افراد جامعه تأثیر گذارند، چیست. همچنین از لحاظ ارزشی نیز چه ارزش‌های سیاسی مرتبط با نظام سیاسی و رهبران آن در قرآن معتبر دانسته شده است؛ و اینکه چه عواطف سیاسی در قبال حکومت و رهبران آن مورد تأیید قرآن است.

تعریف و انواع فرهنگ سیاسی

اصطلاح «فرهنگ سیاسی» نخستین بار توسط آلموند در ادبیات توسعه سیاسی مطرح شد که به بررسی نگرش‌های حاکم بر رفتار سیاسی افراد جامعه می‌پردازد. از منظر وی، فرهنگ سیاسی نوعی از فرهنگ است که مردم با آن به جهان سیاست می‌نگرند و جهت‌گیری می‌کنند؛ به عبارتی دیگر، به مجموعه ارزش‌ها، شناخت‌ها و احساسات مردم و حاکمان به نظام سیاسی، اجزای آن و تصمیمات سیاسی، فرهنگ سیاسی گفته می‌شود (شفیعی، ۱۳۹۲، ص ۹). اجزای فرهنگ سیاسی به سه نوع تقسیم می‌شود: «شناختی» که نمایانگر دانش درست یا نادرست از نظام سیاسی است؛ و «عاطفی» که نمایانگر احساس تعلق، درگیری، رد و انکار و توجه به هدف‌های سیاسی است؛ و «ارزشی» که نمایانگر داوری‌ها و اعتقادات درباره هدف‌های سیاسی است (چیلکوت، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵).

آلموند از سه نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی، تبعی و محدود یاد می‌کند. در فرهنگ سیاسی محدود، مردم از نظام سیاسی خود چندان آگاهی ندارند یا اصلاً از آن آگاه نیستند و خود را شهروند یا عضوی از جامعه و ملت نمی‌دانند؛ به سیاست اعتنایی ندارند؛ هیچ انتظاری هم از نظام سیاسی ندارند. در فرهنگ سیاسی تبعی، مردم صرفاً برای حمایت از نظام سیاسی و کارگزاران آن در صحنه سیاست حضور می‌یابند. در این نوع فرهنگ سیاسی، تنها

وظیفه مردم در قبال حکومت و تصمیمات سیاسی برجسته می‌شود و مردم برای خود حقی در قبال نظام احساس نمی‌کنند؛ اما بر اساس فرهنگ سیاسی مشارکتی، مردم با آگاهی از نظام سیاسی و با احساس برخورداری از حقوقی در نظام سیاسی، در تصمیمات سیاسی نظام تأثیر می‌گذارند و با مشارکت فعالانه می‌توانند حقوق خود را از نظام بستانند و از اجزای نظام سیاسی تلقی روشنی دارند و از جریان امور آگاه‌اند و گرایش به نقش فعال در امور دارند (آلموند و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۱۲). در نظر وی، برای ترسیم نقشه فرهنگ سیاسی یک ملت، تشریح ایستارهایی که شهروندان در قبال نظام سیاسی دارند، ضروری است و مهم‌ترین جنبه تمایلات سیستمی (سطح نظام)، سطح و مبنای مشروعیت سیستم است (همان، ص ۷۱). در واقع، تولید جهت‌گیری‌های سیاسی مثبت در مردم سبب ایجاد فرهنگ سیاسی مطلوب و مشروعیت نظام سیاسی خواهد شد.

ضرورت و نوآوری

در این پژوهش با روش کیفی زمینه‌ای به دنبال استخراج منابع تولید جهت‌گیری‌های سه‌گانه (شناختی، احساسی و ارزشی) سیاسی در قرآن هستیم که تعیین می‌کند نوع فرهنگ سیاسی مدنظر قرآن چیست. آنچه در جامعه‌شناسی سیاسی از فرهنگ سیاسی مورد توجه است، شناخت تجربی افراد جامعه از سیاست و موضوعات مرتبط همراه با علائق مادی‌گرایانه فرهنگ غربی است که به مشارکت افراد در عرصه‌های سیاسی می‌انجامد؛ اما پژوهش پیش‌رو از این حیث که فرهنگ سیاسی را با توجه به الگوی نظری جدید (نظریه آلموند) در ساحت قرآن بررسی کرده، دارای نوآوری است و استخراج منابع جهت‌گیری‌های سه‌گانه از منظر قرآن، ما را به وجه جدیدی از شناخت مبتنی بر آموزه‌های الهی می‌رساند که در نگاه صرفاً مادی به آن اشاره‌ای نشده و انتظارات از شهروندان جامعه دینی برای مشارکت‌های سیاسی و استیفای حقوق سیاسی را در شکل جدیدی بیان کرده است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای یا گراند‌تئوری بهره می‌گیرد که روشی پژوهشی، استقرایی و اکتشافی است و به ما امکان می‌دهد تا به شکل نظام‌مند و بر اساس داده‌های واقعی، نظریه‌ای تدوین کنیم (اشتروس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۲۲)؛ بدین معنا که، گردآوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که در نهایت از داده‌ها استنتاج می‌شود، در ارتباطی نزدیک با یکدیگر قرار دارند و طی آن، نظریه از درون داده‌هایی که گردآمده‌اند، پدیدار می‌شود. الگویی که دست‌کم در مطالعات قرآنی با احتمال بیشتری به دور از تفسیر به رأی و تحمیل پیش‌ذهنیت‌ها می‌تواند نمایانگر واقعیت باشد و از آن‌جا که نظریه زمینه‌ای از داده‌ها استنتاج می‌شود، می‌تواند با ایجاد ادراک عمیق‌تر، رهنمود مطمئنی برای عمل باشد. این امر برخلاف پژوهش‌های رایج در علوم انسانی و ناشی از سیطره الگوی پوزیتیویستی است که طی آن، مطالعه همواره با نظریه از پیش تصور شده‌ای آغاز می‌شود. نظریه زمینه‌ای از روش‌های کیفی به‌شمار می‌آید و نخستین گام در مراحل اجرای آن، شناخت مسئله قابل تحقیق است (ببی و ارل، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۷). هدف در

تحقیق کیفی، تفسیر است که به‌منظور کشف مفاهیم و رابطه‌ها در داده‌های خام و با سازمان دادن به آنها در قالب یک طرح توضیحی نظری انجام می‌شود (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ص ۳۳). در این روش، پس از طرح پرسش‌های پژوهش، داده‌ها گردآوری، کدگذاری و در نهایت تحلیل و استنتاج می‌شود. این روش به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا با بررسی داده‌های گردآوری‌شده از آیات قرآن کریم، آنها را به کدها، مفاهیم و مقولات تبدیل کند و در نهایت، با ایجاد ارتباط میان آنها، به‌عنوان یک ایده یا نظریه مطرح کرده، یا دست‌کم دیدگاه قرآن دربارهٔ مسئله را تبیین نماید. ویژگی دیگر این روش - به‌ویژه در زمینهٔ کاربردی آن در اکتشاف دیدگاه قرآنی - آن است که ماهیتی استقرایی - قیاسی دارد؛ بدین معنا که یافته‌های این روش، در اولویت نخست، برگرفته از مطالعهٔ استقرائیهٔ آیات از آغاز تا به انتهاست و سپس از آن جهت که آیات، شواهد و مفاهیم استخراج‌شده یا جمع‌آوری‌شده از سوی پژوهشگر بررسی و ارتباط میان آنها تحلیل می‌شود، ماهیتی قیاسی به خود می‌گیرد.

به‌منظور کشف دیدگاه قرآن، مسئلهٔ پژوهش که موضوعی از واقعیات زندگی بشری است، به قرآن کریم عرضه می‌شود و پس از جمع‌آوری و کدگذاری داده‌ها، نظر قرآن در این زمینه استخراج و استنتاج شده، به پاسخ و حکم قرآنی آن پرداخته می‌شود. این نوع تبیین، به روش تفسیر استنتاجی بسیار نزدیک است که طی آن، در حقیقت پژوهشگر می‌کوشد قرآن را به نطق درآورد و از دل قرآن کریم و با جمع و تحلیل آیاتی که واژگان یکسانی ندارند و به مباحث به‌ظاهر غیرمرتبط می‌پردازند، نظریه‌ها را اخذ کند (صدر، ۱۳۸۰، ص ۱۲). بر این اساس، پس از بررسی آیات سیاسی و استخراج شاخص‌های قرآنی فرهنگ سیاسی، در مرحلهٔ «کدگذاری باز» مفاهیم مرتبط در قالب مقولاتی بیان شده‌اند و در مرحلهٔ «کدگذاری محوری» مقوله‌های محوری هر بخش مرتبط با جهت‌گیری‌های سه‌گانهٔ سیاسی مشخص شده‌اند؛ و سرانجام در مرحلهٔ «کدگذاری گزینشی» مقولهٔ هسته‌ای و الگوی متناظر با آن در قالب یکی از دو فرهنگ سیاسی مطلوب (مشارکتی) یا نامطلوب (محدود) از منظر قرآن، با توجه به آموزه‌های /مؤند بیان شده است.

یافته‌های تحقیق

الف - نظام سیاسی (بستر / مانع) تولید فرهنگ سیاسی

از منظر قرآن، وجود نظام سیاسی برای مدیریت امور جامعهٔ مطلوب است؛ از این‌رو به اطاعت از خدا، پیامبر ﷺ و اولی‌الامر (زامدار جامعهٔ اسلامی) (نساء: ۵۹) امر شده است (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۶۹) و درخواست ایجاد نظام سیاسی از جانب سلیمان و تأیید حکومت الهی وی (ص: ۳۵) در همین راستاست و حکومت طالوت نیز - با توجه به علم و توانایی‌هایش - مورد تأیید خداوند قرار گرفته است؛ زیرا اجرایی شدن اهداف بعثت انبیا (سیاسی، اجتماعی و قضایی)، با ایجاد بستر آن و تشکیل نظام سیاسی تلازم عقلی دارد (حدید: ۲۵؛ بقره: ۲۱۳).

از منظر شناخت سیاسی، قرآن از دو گونه نظام سیاسی یاد کرده است: یا از مطلوب بودن نظام‌های سیاسی در سایه رهبری صالحان سخن رانده و استقرار چنین نظام‌هایی را از نعمت‌های الهی دانسته (مائده: ۲۰؛ ص: ۳۵) و به نیکی از آنها یاد نموده (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۴۶۵) و لزوم توجه به این نعمت‌ها را گوشزد کرده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۶۰۴) که این به سبب نقش مهمی است که در نظم جامعه انسانی و جلوگیری از مظالم و ستم‌ها و فراهم ساختن شرایط تکامل انسان‌ها دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۳۴)؛ یا با همه ضرورت‌هایی که برای صلاح و فلاح جامعه دارند، از آنجایی که مفاسد بسیاری بر وجود نظام‌های با رهبران طاغوتی مترتب است، به نهی از ایجاد آنها پرداخته (نمل: ۳۴) و نظام سیاسی را مقتضی فساد دانسته است (شفیعی، ۱۳۹۲، ص ۱۴)؛ زیرا اقتضای اولیة قدرت سیاسی، فساد است و غیر از فساد و ایجاد ظلم، جلوه دیگری ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۵۳). خداوند قاعده کلی در مورد این نظام‌ها را از زبان ملکه سبأ گوشزد کرده است که در ذات حکومت، تمایل به فساد امری است طبیعی و تخریب و فساد و ذلیل کردن عزیزان و جوامع آباد کار همیشگی پادشاهان است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۴۹۲). وجود زمینه فساد و طغیان در ذات انسان، به سبب دستیابی به قدرت است (علق: ۶ و ۷؛ طه: ۱۲۰) و سرکشی و ادعای الوهیت نمرود را ناشی از قدرت سیاسی وی دانسته‌اند (بقره: ۲۵۸).

بیان موارد منفی درباره نظام‌های سیاسی و حاکمان فاسد در قرآن، به لزوم وجود نظام‌های صالح و رهبران الهی به عنوان بستری برای رهایی مردم و ایجاد جامعه توحیدی اشاره دارد. به عبارتی می‌توان گفت که در قرآن از منظر شناختی، وجود نظام‌های سیاسی الهی و رهبران شایسته، مطلوب است و در ایجاد جهت‌گیری‌های ارزشی و احساسی مثبت در مردم تأثیر جدی دارد؛ از این رو تحقق این نظام‌ها تأیید شده است؛ و در سوی دیگر، قرآن با اشاره به مفاسد نظام‌های سیاسی و فسادآور بودن قدرت، آنها را مانعی برای نیل به فرهنگ سیاسی مطلوب دانسته و اثرات این حکومت‌ها را بر تولید جهت‌گیری‌های سیاسی منفی یادآور شده است. بر این اساس، هر دو نوع نظام سیاسی الهی و طاغوتی خصوصیتی دارند که وجود شاخص‌های مثبت و نبود موارد منفی در یک نظام سیاسی، یاری‌رسان تولید فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن خواهد بود. بنابراین باید دید که با توجه به نگرش قرآن به اصل حکومت، چه ملاک‌هایی در نظام‌های سیاسی برای نیل به فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن، تأیید یا نفی شده‌اند و اثرات آن بر جهت‌گیری‌های سه‌گانه سیاسی چیست؟

ب - زمینه‌های تأثیر شاخص‌های نظام الهی بر ارزش‌های سه‌گانه سیاسی

فرهنگ سیاسی مطلوب از منظر *آلموند*، به گونه مشارکتی است که در آن افراد جامعه با آگاهی از نظام سیاسی، در تصمیمات سیاسی نظام تأثیرگذارند و با مشارکت فعالانه می‌توانند حقوق خود را از نظام بستانند. در این قسمت به بررسی اصلی‌ترین شاخص‌ها و ملاک‌های نظام‌های الهی در قرآن - که وجود آنها تأثیر مستقیمی در تولید جهت‌گیری‌های افراد جامعه به نظام سیاسی دارد - می‌پردازیم تا نظر قرآن درباره فرهنگ سیاسی مطلوب مشخص

شود. در قرآن آیاتی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به امر نظام سیاسی و آنچه در این عرصه دارای اهمیت است و نسبت مستقیمی که با ایجاد شناخت‌ها، احساسات و ارزش‌های سیاسی در افراد جامعه و تولید فرهنگ سیاسی دارد، پرداخته است که ابتدا طی فرایند کدگذاری باز، شاخص‌های قرآنی بررسی و مقولات مرتبط استخراج گشته‌اند و در ادامه، مقولات اساسی و هسته‌ای برای نیل به نظر قرآن بیان شده‌اند:

– از آنجایی که فساد در زمین، اقتضای اولیة نظام سیاسی است، پس نظام مطلوب باید در مسیر اصلاح گام بردارد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۶۰)؛ زیرا تولی امور و ایجاد نظام سیاسی (بقره: ۲۰۵) توسط ناهلان بی تقوا، به اهلاک حرث و نسل می‌انجامد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۸) و ابزاری در جهت فسادانگیزی و گسستن عواطف انسانی است (همان، ص ۲۹۹۸) که در تضاد با اهداف اولیة ایجاد حکومت است و عواطف سیاسی منفی به حکومت را به دنبال دارد؛ درحالی که آنچه مورد عنایت مقام ربوبی است، اصلاح است (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۴۵) و فساد، بی قانونی و عدم تأمین امنیت توسط نظام‌های ظالم نفی شده (بقره: ۲۴۶) و اصلاح امور از وظایف نظام‌های الهی شمرده شده است (هود: ۸۸؛ محمد: ۲۲؛ نور: ۵۵) (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵). این شاخص با تقویت احساس تعلق به حکومت، به افزایش مشارکت در موضوعات سیاسی می‌انجامد.

– رسالت اصلی نظام الهی به لحاظ تولید ارزش‌های سیاسی، توجه به دین و اجرای اوامر الهی در عرصه اجتماع است؛ بنابراین باید جامعه به گونه‌ای مدیریت شود که مردم به عبادت خداوند روی آورند و زمینه‌های بندگی پروردگار فراهم آید. قرآن با اشاره به تمکن مؤمنان در زمین (حج: ۴۰) – که در به دست گرفتن قدرت سیاسی ظهور دارد – و شمارش موضوعات مهمی مانند اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر، اهتمام به اجرای دین توسط نظام سیاسی در عرصه اجتماع را بیان می‌کند (علم‌الهدی، ۱۳۹۳، ص ۲۵) و نظام را مسئول ایجاد جامعه صالحی می‌داند که در آن دستورات الهی اجرا می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۵۴۳). وجود این شاخصه از لحاظ تولید احساسات سیاسی در مردم، با توجه به ارزش بودن دین در جامعه، بسیار تأثیرگذار است.

– دستیابی به اهداف و عملکرد صحیح حکومت، در سایه وحدت جمعی جامعه و همراهی همه اقشار آن شدنی است (مائده: ۲). از این رو نظام‌ها موظف‌اند وحدت اجتماعی را برای دستیابی به اهداف حفظ کنند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۸). بنابراین قرآن با تأکید بر توحید عبادی و ربوبی و دعوت اهل کتاب به آزاداندیشی (آل عمران: ۶۴)، بر وحدت در جامعه تأکید می‌کند (همان، ص ۳۲۶) و اصل را بر همکاری در راستای اهداف مقدس توحیدی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۹۳) تا نظام سیاسی بتواند در حد امکان فضای سیاسی جامعه را به سمت کم کردن اختلافات سوق دهد و با تمسک به نقاط اشتراک، اهداف خود را محقق سازد. وحدت به تأمین منافع گروه‌های مختلف در جامعه می‌انجامد و تأثیر مثبتی بر احساسات و نوع قضاوت افراد در زمینه عملکرد مسئولان و نظام سیاسی دارد.

- تدبیر امور اقتصادی در همهٔ مراحل - از برنامه‌ریزی و مدیریت تولید و توزیع گرفته تا بیان الگوهای درست مصرف - از وظایف نظام الهی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۳)؛ از این‌رو خداوند به نکوهش از حکومت‌ها و حاکمان بی‌توجه به وضع اقتصادی پرداخته (نساء: ۵۳) و دستوراتی برای سامان اقتصادی جوامع بیان کرده است (هود: ۸۵؛ اعراف: ۸۵). توجه به نیازهای اقتصادی جامعهٔ اسلامی و تأمین آنها و رد تصور غلط منافقان در مورد نبودن ملاک و معیار در تقسیم صدقات و انجام آن به دلخواه پیامبر ﷺ (توبه: ۶۰)، از نظرگاه شناختی به وجود ملاک و معیار در برنامه‌های اقتصادی نظام سیاسی اشعار دارد (علم‌الهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴) و تعیین کارگزارانی برای انجام کارهای اقتصادی و بهره‌گیری از امکانات اقتصادی برای جذب قلب‌ها، تأثیر زیادی در موضع‌گیری‌های اجتماعی و فکری انسان‌ها دربارهٔ نظام سیاسی دارد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵۲) و پیرو تولید جهت‌گیری‌های سه‌گانهٔ مثبت به حکومت و رهبران آن، فرهنگ سیاسی مطلوب و مشارکت حداکثری افراد شکل خواهد گرفت.

- مراعات عدالت، حق تمامی انسان‌هاست و لازمهٔ اجرای عدالت در میان مردم و سامان کارها (نساء: ۵۸)، وجود تشکیلات سازمانی و قضایی است که در آن، زمامداران الهی عهده‌دار اجرای عدالت در جامعه باشند (همان، ص ۴۸۷). حضرت داوود ﷺ مأمور تشکیل نظام سیاسی و داوری میان مردم بر پایهٔ حق شده و تدبیر امور و داوری به حق، به خلیفهٔ الهی سپرده شده است (ص: ۲۶) (همان، ص ۲۶۷۴). اجرای عدالت و نجات مستضعفان از محیط ظلم، از وظایف نظام سیاسی و مؤمنان است (نساء: ۷۵) (همان، ص ۵۰۰) که نقش اساسی در ایجاد احساس تعلق به نظام سیاسی و بالا بردن مشروعیت آن دارد و همچنین سبب تغییر در ملاک‌های قضاوت مردم خواهد شد و به افزایش مشارکت سیاسی می‌انجامد.

- آموزش و تربیت افراد جامعه، از منظر شناختی، اصلی‌ترین رسالت نظام سیاسی است (جمعه: ۲) و مکتبی که دارای نظام حقوقی، سیاسی و اقتصادی است، نمی‌تواند نهادی برای تعلیم و آموزش افراد نداشته باشد (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۱۵). با توجه به اهمیت این مسئله، حضرت ابراهیم ﷺ از خداوند خواسته است که برای نسل وی پیامبرانی مبعوث شوند تا به تلاوت آیات الهی، تعلیم کتاب آسمانی، آموزش حکمت و پاک‌سازی مردم از آلودگی‌ها بپردازند (بقره: ۱۲۹). برای اجرای این امور، لازم است نظامی ایجاد شود تا آنان را به نمؤ صالح رشد دهد؛ اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادت ایشان کند تا در انسانیت خود به کمال رسند و سعید زندگی کنند و سعید بمریند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۴۴؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷۷) و «امت مسلمة» شکل گیرد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). واضح است که تعلیم و تربیت، از پایه‌های مهم تولید شناخت‌ها و ارزش‌های سیاسی برای نیل به فرهنگ سیاسی مطلوب است.

- نظام سیاسی در جهت ایجاد حس کرامت در جامعه و رسمیت بخشیدن به حق دخالت مردم در سرنوشت خود، باید تعاملی پیوسته و در چهارچوب اصول با مردم برای برنامه‌ریزی‌های کلان سیاسی و اجتماعی داشته باشد

و باید زمینه‌های لازم برای مشارکت مردمی به صورت مختلف قانونی را ایجاد کند و همواره آمادۀ پاسخگویی به مطالبات مردم باشد؛ زیرا در نظام سیاسی الهی، انسان جایگاه ویژه‌ای دارد که نشان‌دهندۀ تأثیرگذاری آن بر جامعه است و این خود انسان است که حرکت و تغییر و تحول را از «خود» آغاز می‌کند و با کسب آگاهی‌ها و شناخت‌های مورد نیاز می‌تواند برای انجام اصلاحات لازم اقدام کند (رعد: ۱۱؛ انفال: ۵۳). در واقع مردم، هم مسئول خود هستند و هم در قبال جامعه مسئولیت دارند؛ به طوری که گویا همهٔ افراد جامعه زمامدار حکومت‌اند و باید در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مشارکت کنند. از سوی دیگر، این تعامل باید به صورت مستقیم و بدون وجود وسایط انجام گیرد تا رهبران بتوانند درخواست‌ها و نظرات واقعی مردم را دریافت کنند. این مطلب به وضوح در تعامل پیامبران الهی با قوم و ملتشان مشخص است. وجود ارتباط مؤثر رهبران با آحاد جامعه به صورت مشهود، در ایجاد جامعۀ مشارکتی و رشد جهت‌گیری‌های سه‌گانه مؤثر است.

- از منظر شناختی، نظام ایدئال نباید به نگاه تک‌بعدی در برخورد با امور و برنامه‌ریزی‌ها گرفتار شود و شایسته است برنامه‌های آن با توجه به همهٔ ابعاد وجود انسان ارائه شود؛ چنان‌که پیش قرآنی نیز تنها محدود به وجوه مادی و دنیوی نیست (قصص: ۷۷). چنین نظامی، نه از جنبه‌های روحانی و معنویات غافل می‌شود و نه به رهبانیت و ترک دنیا روی می‌آورد؛ بلکه از نظر اخلاق، عبادت، اعتقاد و همهٔ امور زندگی معتدل است (بقره: ۱۴۳) و جامعۀ اسلامی می‌تواند شاهد امت‌های دیگر باشد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۹) و با نگاه همه‌جانبه راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را بنمایاند که بی‌شک عواطف سیاسی و ارزش‌گذاری مثبت به موضوعات سیاسی را در پی خواهد داشت.

- آنچه مبنای عمل و تصمیم‌گیری سیاسی است، وحی الهی است؛ اما در محدودهٔ فراتر از قوانین ثابتۀ، آنچه از آیات قرآن (شورا: ۳۸؛ آل عمران: ۱۵۹؛ اعراف: ۱۹۹) به دست می‌آید، تأیید دخالت رأی و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۱۶۴) که جز با اهتمام و ایجاد بستر مناسب توسط نظام سیاسی الهی برای به خدمت گرفتن نظرات مردم و طرف مشورت قرار دادن آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی ممکن نخواهد شد (علم‌الهدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۱۵). از همین‌رو از پیامبر ﷺ خواسته شده است که با وجود برخی عملکردها و سخنان اشتباه در جنگ احد، که به شکست ظاهری مسلمانان انجامید، از خطای آنان درگذرد و همچنان با ایشان در کارها مشورت کند. این مطلب نشان می‌دهد که مردم در حکومت صاحب حقاوند (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۸۵) و تصریح به این نکته است که پذیرش اصل شورا، از ویژگی‌های نظام اسلامی است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۵). آیهٔ شورا با امر به مشورت، درصدد ارشاد به امری عرفی است (طالقانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۴۸) و نظام اسلامی نظامی مردمی و دور از استبداد رهبران است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۵). این خصیصه در نظام سیاسی سبب تقویت شناخت‌های سیاسی افراد جامعه و مشارکت بیشتر آنها در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و افزایش جهت‌گیری احساسی به موضوعات سیاسی خواهد شد.

– وجود آزادی‌های فردی و اجتماعی در سطح جامعه برای برخورد و تعامل با نهادهای سیاسی و اجتماعی، به افراد امکان فعالیت‌های سیاسی را در محدوده قوانین و مقررات می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۷۹). بی‌گمان در منطق قرآن، آزادی شرط اساسی اعتقاد به یگانگی خدا و پذیرش پیامبر ﷺ و التزام به همه عقاید و باورهای اسلامی و مبنای ایجاد جامعه و نظامی پایدار است (یونس: ۹۹؛ کهف: ۲۹؛ بقره: ۲۵۶)؛ زیرا هر فرد قبل از پذیرش هرگونه اعتقاد و التزامی، انسانی آزاد و برخوردار از حق انتخاب است و یکی از عوامل اصلی ایجاد احساسات سیاسی مطلوب، پرهیز از نفی آزادی‌های افراد جامعه در تمام انواع آن است (زخرف: ۵۴) و ایجاد بستر برای آزادی‌های سیاسی، اعتقادی و... توسط نظام سیاسی، به رشد جهت‌گیری‌های سه‌گانه و فرهنگ سیاسی مطلوب منجر می‌شود.

– در منطق قرآن، ایجاد ظرفیتی برای نظارت و اصلاح امور توسط افراد جامعه، به‌ویژه در زمینه عملکرد نظام و رهبران، نقش بسزایی در رشد شناخت‌های سیاسی افراد جامعه دارد. خداوند امر به معروف و نهی از منکر را در راستای ولایت مؤمنان بر یکدیگر بیان کرده است و چون مؤمنان ولی یکدیگرند، این وظیفه را در قبال یکدیگر و در قبال رهبران و نظام اسلامی انجام می‌دهند (توبه: ۷۱)؛ از این‌رو، هم کارویژه نظام سیاسی و رهبران (اعراف: ۱۹۹؛ حج: ۴۱) و هم وظیفه شرعی افراد جامعه ایمانی تلقی می‌شود (علم‌الهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۴؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۹۵۸) و بی‌شک اجرایی شدن این فریضه الهی در جامعه دینی به فراهم آوردن امکانات لازم برای این امر از سوی نظام سیاسی وابسته است و به تعبیری وظیفه نظام سیاسی الهی محسوب می‌شود (همان، ج ۲، ص ۱۸۶). در چنین فضایی، باورهای سیاسی به کارآمدی نظام و عواطف سیاسی تقویت شده و سبب تولید فرهنگ سیاسی مطلوب می‌شود.

اشاره شد که فرهنگ سیاسی مورد نظر *آلموند* از نوع مشارکتی است. براین اساس، برای کشف فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن، در ابتدا شاخص‌های نظام سیاسی به تفکیک مطرح شد و مقولات مرتبط مولد ارزش‌های سه‌گانه سیاسی از آنها استخراج گردید و فرهنگ سیاسی متناظر – که از نوع مشارکتی است – از منظر قرآن تأیید شد.

جدول ۱. کدگذاری باز، محوری و گزینشی شاخص‌های نظام سیاسی

شاخص	مقولات	مقوله اصلی	مقوله هسته‌ای
بسترسازی عمل به دستورات الهی	تأثیر جدی بر مقبولیت نظام؛ تقویت حس رضایت از کارایی و عملکرد؛ قضاوت بر اساس میزان عمل به قوانین الهی در جامعه ایمانی	عواطف، ارزش سیاسی	<p>عقل</p> <p>عزت</p> <p>عزت</p>
ایجاد اصلاحات و مبارزه با فساد	افزایش باور به صلاحیت نظام دینی برای اداره جامعه؛ مشارکت فعال مردم و ارتباط دوسویه؛ فضایی برای رشد ارزش‌های شناختی؛ ایجاد احساس و تعلق بیشتر به نظام؛ جهت‌گیری مثبت و هماهنگ شدن بیشتر با حکومت	شناخت، ارزش سیاسی	

<p>عواطف، ارزش سیاسی</p>	<p>افزایش همدلی آحاد جامعه در مسیر تحقق اهداف؛ رشد تعلق به نظام سیاسی و کمتر شدن اعتراضات اجتماعی (احساس منفی) با تأمین منافع گروه‌ها و جریان‌ات مختلف جامعه؛ کمک به پذیرش بهتر مجموعه نظام</p>	<p>ایجاد وحدت و مبارزه با تفرقه</p>
<p>شناخت، عواطف، ارزش سیاسی</p>	<p>ارتقای باورمندی به نظام و قوانین؛ ایجاد جهت‌گیری‌های خوش‌بینانه؛ قضاوت مثبت افراد در مورد حکومت و عملکرد آن</p>	<p>تدبیر امور اقتصادی</p>
<p>شناخت، عواطف، ارزش سیاسی</p>	<p>تقویت مشروعیت و افزایش تعلق به نظام؛ رشد ارزش‌گذاری افراد به عملکرد نظام و قوانین عادلانه</p>	<p>مراعات عدالت و رفع ظلم</p>
<p>شناخت، عواطف، ارزش سیاسی</p>	<p>ایجاد شناخت درباره نظام؛ عملکرد حاکمان و قوانین؛ پرورش احساس مثبت؛ تأثیر مستقیم بر الگوی ارزش‌گذاری و قضاوت افراد و افزایش مشروعیت سیاسی</p>	<p>آموزش، آگاهی‌بخشی و تربیت</p>
<p>شناخت، عواطف و ارزش سیاسی</p>	<p>ارتقای شناخت و کشف موضوعات و نیازهای اصلی؛ گسترش تعهد به نظام؛ تغییر ملاک‌های ارزش‌دوری؛ تقویت مشارکت‌های سیاسی و تعیین سرنوشت با اجرای خواسته‌های سیاسی</p>	<p>تعامل مؤثر با مردم برای اداره جامعه و وضع قوانین کارآمد</p>
<p>شناخت، عواطف و ارزش سیاسی</p>	<p>عامل افزایش شناخت افراد از برنامه‌ها و قوانین، ارتقای احساس پذیرش و تقویت مشارکت سیاسی و مشروعیت</p>	<p>دوری از نگاه تک‌بعدی در برنامه‌ریزی‌ها</p>
<p>شناخت، عواطف سیاسی</p>	<p>وجود بستری برای تأمین خواسته‌های افراد؛ افزایش اطمینان و رضایت عمومی به نظام و گسترش حس تأثیر‌گذاری در سرنوشت</p>	<p>مشورت در اداره جامعه</p>
<p>شناخت، عواطف و ارزش سیاسی</p>	<p>اطمینان به نظام و افزایش تعلق؛ تولید روحیه مشارکت‌جویی و حس ارزشمندی</p>	<p>تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی</p>
<p>عواطف، ارزش سیاسی</p>	<p>بهبود حس پذیرش افراد و مشروعیت نظام؛ افزایش قضاوت مثبت افراد به عملکرد نظام</p>	<p>تقویت بستر انتقاد و اصلاح با ایجاد فضای امر به معروف و نهی از منکر</p>

ج- زمینه‌های تأثیر شاخص‌های زمامداران بر ارزش‌های سه‌گانه سیاسی

پس از بررسی مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با نظام سیاسی و تأثیر آنها بر ساخت فرهنگ سیاسی مطلوب قرآنی، به دلیل اهمیت و تأثیر رفتار و عملکرد حاکمان بر تولید جهت‌گیری‌های سه‌گانه سیاسی، شایسته است به ملاک‌های مدنظر قرآن برای رهبران - که در ایجاد علایق سیاسی تأثیرگذارند - اشاره شود. آیات متعددی درباره مواردی که زمامداران می‌باید در امر حکومت و نوع تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خصوصاً در قبال افراد جامعه رعایت کنند، وارد شده است. این آیات تأثیر بسزایی در ایجاد شناخت‌ها، احساسات و ارزش‌های سیاسی دارند و سبب ایجاد جهت‌گیری‌های صحیح در افراد و شهروندان به سمت موضوعات سیاسی خواهند شد.

شاخص‌های قرآنی در دو زمینه رهبران الهی و طاغوتی مطرح شده و تأثیرات هر کدام در ایجاد جهت‌گیری‌های سیاسی بررسی گردیده است. بر این اساس، در این بخش استخراج شاخص‌های قرآنی و فرایند کدگذاری باز و محوری و استخراج مقولات اصلی و هسته‌ای در دو قسمت انجام شده است:

زمامداران الهی

- از منظر ارزش‌های سیاسی، رهبر جامعه مأمور به دعوت مردم به اقامهٔ دین است و باید پس از قدرت یافتن در زمین، به اجرای احکام الهی بپردازد (حج: ۴۱). وی مکلف به استقامت و پایداری در برابر مشکلات و تحمل فشار خواسته‌های مخالفان است (شورا: ۱۵)؛ زیرا در خطر سازش و سستی در برابر فشارهاست تا تمایلات اجتماعی ناروا را بر قوانین الهی برتری دهد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۴). داوری‌ها و ارزش‌گذاری سیاسی افراد جامعهٔ دینی بر اساس میزان عمل به قوانین و پایبندی زمامداران بر آن اعتبارسنجی خواهد شد.

- لزوم پیشتازی رهبران الهی در جهاد و حرکت‌های اجتماعی، از نظر تولید احساسات سیاسی اهمیت فراوانی دارد (نساء: ۸۴). در جنگ احد، پیامبر ﷺ با وجود شکست ظاهری و متواری شدن اصحاب، تا آخر ایستادگی کردند (آل عمران: ۱۵۳). رهبران باید پیش از دیگران برای شرکت در حرکت‌های اجتماعی، نظیر جنگ در راه خدا آماده شوند. با توجه به این نکته است که خداوند پیامبر ﷺ را تنها مکلف و مسئول خود می‌داند (همان، ص ۵۰۸). این خصوصیت رهبر جامعه، تأثیر اساسی در تغییر ارزش‌ها و ملاک‌های داوری دربارهٔ زمامداران و عملکرد آنان دارد.

- از نظر شناختی، خداوند ثبات و تأثیرناپذیری از افراد نادان و فرصت‌طلب را از وظایف رهبر جامعهٔ اسلامی دانسته (یونس: ۸۹) (همان، ص ۱۱۵۷) و با نفی تبعیت از افراد فرصت‌طلب (بقره: ۱۴؛ توبه: ۹؛ نساء: ۱۳۸)، بر رعایت اصل دوری از نادانان (بقره: ۶۷) و بهره‌برداری از ظرفیت نخبگانی و دانایان جامعه تأکید کرده است (معرفت، ۱۳۸۰، ص ۳) که بی‌شک در ارزش‌دوری افراد دربارهٔ عملکرد رهبران و تولید احساسات سیاسی تأثیر بسزایی دارد.

- پیامبر ﷺ مأمور دعوت به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان‌های عقلی و علمی)، موعظهٔ حسنه و مجادله با اهل کتاب (مخالفان) با بهترین روش است (نحل: ۱۲۵). گفت‌وگو با مؤمنان و مخالفان، از اصلی‌ترین ابزارهای تولید فرهنگ سیاسی قرآنی است. توجه به جنبه‌های حکمی برهانی به تولید علایق شناختی می‌انجامد. گفت‌وگو

بر مبنای موعظه و خطابه، که با رعایت مصالح مخاطب صورت می‌گیرد (مظفر، ۱۳۸۹، ص ۲۵۶)، به تقویت احساسات و حس تعلق افراد به رهبران می‌انجامد و جدال احسن، که مخالف را از پافشاری بر ادعای باطلش منصرف می‌کند، در تولید شناخت‌های سیاسی مطلوب تأثیرگذار است.

- مدارا و نرم‌خوبی رهبران الهی در برخورد‌های اجتماعی، برای رشد احساسات و ارزش‌های سیاسی مطلوب است (آل‌عمران: ۱۵۹)؛ زیرا نبود مدارا و عفو به هنگام شکست‌ها و سختی‌ها، زمینه‌ساز پراکندگی جامعه از پیرامون رهبران است. از این‌رو گذشت از خطاکاران و طلب آموزش برای ایشان (حجر: ۸۵)، وظیفهٔ پیامبر ﷺ و نمودی از خلق خوش آن حضرت دانسته شده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۵). متعلق گذشت، امور عمومی سیاسی است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۸۲) و کافران و منکران نیز اگرچه فاقد توجیه صحیح بودند (هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۶۹)، اما پیامبر ﷺ با تأکید بر اصول مشترک به‌عنوان یکی از مصادیق مدارا با ایشان رفتار می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۳) و وظیفه‌دار عفو و بخشش کریمانه از ایشان بود که در ابتدای نهضت اسلامی، امری لازم و بایسته است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸۰)؛ از این‌رو خداوند از پیامبر ﷺ می‌خواهد بدی را با خصلتی که مقابل آن است، دفع کند و چهل افراد را با حلم، و بدی‌هایشان را با عفو پاسخ دهد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۵۸۷) و در این مسیر با پیشه ساختن صبر، به حظ عظیم دست یابد (احقاف: ۳۵؛ توبه: ۶۱؛ اعراف: ۱۹۹)؛ زیرا رسالت اصلی رهبران الهی، ابلاغ پیام و اتمام حجت بر خلق است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۷۹).

- عدالت رهبران، از نظر تولید ارزش‌ها و احساسات سیاسی بسیار مؤثر است و توصیهٔ قرآن در برخورد با همهٔ اقوام، ادیان و طوایف است (مائده: ۴۲؛ ممتحنه: ۸؛ بقره: ۲۱۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۸۰). رهبر سیاسی جامعه باید به عدالت مشروط باشد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۰۳) و کسی که لقب ظالم بر او صدق کند، به مقام امامت و رهبری جامعه نخواهد رسید (بقره: ۱۲۴) و باید بدون تبعیت از هوا و هوس، هرآینه در مسیر اجرای عدالت باشد (شورا: ۱۵؛ نساء: ۵۸؛ ص: ۲۶).

- از جمله موارد مولد ارزش‌های سیاسی، وفای به عهد، حتی با مخالفان است و آیات متعددی (اسراء: ۳۴؛ رعد: ۲۰؛ آل‌عمران: ۷۶) در این باره وجود دارد که عمومیت آنها پیمان‌های میان رهبران و مردم را نیز شامل خواهد بود. بسیاری از روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر پایهٔ آن استوار است و هرگونه تزلزل در آن، سبب فروپاشی اعتماد اجتماعی خواهد شد. زمامدار اسلامی به هیچ روی، حتی با مشرکان و در زمان جنگ هم نباید عهد خود را نقض کند (توبه: ۷)؛ چنان که پیامبر ﷺ نیز بر اساس صلح حدیبیه - که با مشرکان منعقد شده بود -/بویصیر نومسلمان را به مشرکان مکه سپرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۲۹۶). از سوی دیگر، خداوند به وفاداران به عهد با خدا و مردم وعدهٔ پاداش نیکو داده (رعد: ۲۰؛ بقره: ۱۷۷؛ توبه: ۴؛ مؤمنون: ۸ و...) و خود را از همه وفادارتر به پیمان توصیف کرده است (بقره: ۸۰؛ مریم: ۷۸) و ناتوانی و عدم الزام به عمل به وعده‌ها را مذمت کرده و آن را به منافقین و کفار نسبت داده است (علم‌الهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۳). در قرآن، هرگونه عهدشکنی از سوی هر شخصی و

به صورت مؤکد از سوی زمامدار مذمت شده و مجازات‌های شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است (بقره: ۲۷؛ آل عمران: ۷۷؛ انفال: ۵۶؛ احزاب: ۱۵؛ اسراء: ۳۴؛ رعد: ۲۵)؛ زیرا سبب تولید احساسات منفی، بی‌اعتمادی در مردم و مشارکت کم در امور خواهد شد.

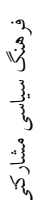
– امانت‌داری از نظر تولید علایق ارزشی، بسیار حائز اهمیت است و از مهم‌ترین مصادیق آن، مسئولیت‌ها و مقام‌هایی است که به افراد واگذار می‌شود. مخاطب آیه ۵۸ سوره نساء، والیان امر هستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۶). پس اگر رهبران امانت‌های سپرده شده به ایشان در مسئولیت‌های سیاسی، اقتصادی و... را به خوبی رعایت کنند (یوسف: ۵۴)، سبب ایجاد اعتماد در مردم و تولید احساسات سیاسی مثبت می‌شود و به تغییر در ملاک‌های ارزش‌دواری افراد درباره عملکرد رهبران می‌انجامد.

– رسالت پیامبر ﷺ بر تأثیر قلبی (توبه: ۱۲۸؛ انبیاء: ۱۰۷؛ آل عمران: ۱۵۹) و گسترش پذیرش عقلانی استوار است و ایشان تنها موظف به تبلیغ عقاید و آرمان‌های مکتب، و نه تحمیل آنها بر مردم است (طالقانی، ج ۴، ص ۳۸). پیامبر ﷺ تنها مسئول تذکر و آگاهی‌دادن به مردم (کهف: ۲۹؛ زمر: ۴۱) و دعوت به آزاداندیشی (بقره: ۱۷۰؛ انبیاء: ۵۴) و فراهم ساختن زمینه‌های انتخاب صحیح است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۶۲) و مسئول ایمان افراد نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲۰، ص ۴۷۸). پذیرش قلبی و تعامل عقلانی و آزادمنشانه مردم و رهبران، سبب تقویت شناخت‌های سیاسی و احساس تعلق به نظام سیاسی و ارکان آن خواهد بود.

– در نگاه قرآن، ویژگی‌های فردی رهبران نیز مانند توانایی بدنی و جسمی (بقره: ۲۴۷) و علم (مریم: ۴۳؛ یوسف: ۵۵؛ نساء: ۱۱۳)، معیاری برای اطاعت و سبب مشروعیت و ملاک برگزیدگی به‌عنوان زمامدار است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶) و در جلب اعتماد و ایجاد عواطف سیاسی افراد جامعه مؤثر است.

از آنچه بیان گردید، مشخص شد عمل به شاخص‌های قرآنی توسط رهبران الهی به مقولاتی منتهی می‌شود که به تولید ارزش‌های سیاسی مثبت می‌انجامد و نتیجه آن، فرهنگ سیاسی مشارکتی است که مطلوب قرآن خواهد بود.

جدول ۲. کدگذاری باز، محوری و گزینشی شاخص‌های رهبران الهی

مقوله هسته‌ای	مقوله اصلی	مقولات	شاخص
	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی	رشد شناختی از قوانین و عملکرد حاکمان؛ ایجاد بستر تعامل منطقی مردم و حاکمان؛ تغییر ملاک‌های ارزش‌دواری و قضاوت افراد بر اساس میزان عقلانیت حاکم	اندیشه‌محوری و اهتمام به عقلانیت
	عواطف، ارزش سیاسی	اعتماد به حاکمان و افزایش مقبولیت؛ بهبود ملاک‌های داوری حاکمان و عملکرد آنان	پیشسازی در جهاد و حرکت‌های اجتماعی

بهره‌برداری از ظرفیت نخبگانی و دانایان جامعه	تعمیق رشد شناختی؛ همدلی با سیاست‌های حکومت و رشد مشروعیت سیاسی؛ تغییر الگوهای ارزش‌گذاری	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی
ثبات و تأثیر ناپذیری از افراد نادان و فرصت‌طلب	باور به صلاحیت رهبران؛ تقویت حس تعهد و مشروعیت بر اساس حضور افراد لایق در تصمیم‌گیری‌های سیاسی	عواطف، ارزش سیاسی
گفت‌وگو با افراد جامعه با استفاده از سه‌گانه حکمت، موعظه و جدل	افزایش شناخت‌های سیاسی به نظام و قوانین، رضایت از نظام و قوانین آن، تقویت قضاوت مثبت افراد	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی
مدارا و نرم‌خویی با افراد جامعه	احساس رضایت از حضور در فضای سیاسی با پذیرش نظرات گوناگون و عدم امکان پایمال شدن حقوق و تقویت مشروعیت	عواطف، ارزش سیاسی
رعایت عدالت	نسبت مستقیم مشروعیت و احساس تعلق با عدالت‌ورزی؛ ارزش‌گذاری بر اساس عملکرد حاکمان عادل و قوانین مدافع حق	عواطف، ارزش سیاسی
امانت‌داری (فردی، حاکمیتی)	افزایش پذیرش و داوری مثبت به عملکرد حاکمان؛ بالاتر رفتن مقبولیت	عواطف، ارزش سیاسی
شور و مشورت با افراد جامعه	پرورش شناخت افراد درباره موضوعات سیاسی؛ رشد تعلق و رضایت از تأثیرگذاری در سرنوشت خود	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی
پایبندی به پیمان‌ها	افزایش تعلق عاطفی به رهبران؛ تغییرات مثبت در قضاوت به میزان عمل به تعهدات	عواطف، ارزش سیاسی
ویژگی‌های فردی	ارتقای شناخت معیارهای انتخاب حاکمان شایسته؛ وجود حاکمان شایسته سبب احساس مثبت و اعتماد به عملکرد حاکمان؛ ارزش داوری مثبت وابسته به وجود شاخص‌های فردی	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی

زاماداران غیرالهی

برای شناخت شاخصه‌هایی که زمامداران الهی باید از آنها مبرا باشند، لازم است به برخی از اصلی‌ترین صفات رهبران طاغوتی اشاره شود. وجود این اوصاف منفی در رهبران هر نظام سیاسی، از نگاه قرآن سبب نامشروع و غیرمطاع بودن آن خواهد شد و فرهنگ سیاسی برآمده از آن نیز با فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن مغایرت دارد.

از نظر شناختی، شرک و کفر زمامداران از جمله صفات منفی است که در قرآن به شدت نهی شده است؛ زیرا پیشوای مشرک سبب گمراهی خواهد شد (نساء: ۴۸) و اطاعت از وی نامشروع و اعمال خیر او نیز باطل و ظلم است و ظالم هرگز توانایی هدایت دیگران را ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۳۵). اطاعت از کافر نیز فاقد مشروعیت است (احزاب: ۱۱) و تباهگر ناموس عمومی است که برای هدایت قرار داده شده است (طباطبایی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۰۹) و در قرآن از هرگونه سلطه کفار، از جمله سلطه سیاسی آنان بر جامعه اسلامی نهی شده است (نساء: ۱۴۱). حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران ثابت است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۵۵۱) و مبارزه با کفر و شرک، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبر اسلام ﷺ بوده است (همان، ص ۲۱۴۶)؛ چراکه آنان درصدد بودند تا پیامبر ﷺ را از اهداف خود بازدارند و خواسته‌هایشان را به ایشان تحمیل کنند (همان، ص ۲۴۵۶).

استبعاد (دعوت به خود) از شاخصه‌های منفی رهبران است. فرعون با ادعای الوهیت و دعوت مردم به خود، مدعی هدایتگری مردم به راه درست بود و قتل موسی ﷺ را سیاستی به صلاح حکومت و جامعه می‌دانست (بقره: ۲۵۸؛ قصص: ۳۸)؛ اما فرستادگان الهی هیچ‌گاه دیگران را به بندگی خود دعوت نمی‌کردند (آل عمران: ۷۹) و همواره، حتی در زمانی که قدرت سیاسی را در اختیار داشتند نیز روح آزادی و استقلال شخصیت انسان‌ها را پرورش می‌دادند و به اهداف مقدس دینی و انسانی دعوت می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۶۳۱). قرآن استعمار فکری را نوعی پرستش می‌داند و با آن مبارزه کرده است (همان، ج ۳، ص ۳۸)؛ اما داعیان باطل در زمان قدرت، مردم را به اطاعت بی‌چون‌وچرا از اراده خود مجبور می‌کردند و در نهایت، تنها زور و فشار سبب مشروعیت آنان می‌شد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶۸) و همواره در درون مردم، کمترین میزان مقبولیت و مشروعیت درباره آنها وجود داشته است. چنین حکومت‌هایی به نفع مشارکت سیاسی مردم می‌انجامد.

از صفات منفی مؤثر در ایجاد فرهنگ سیاسی نامطلوب، ظلم و استبداد رهبران در حکمرانی است (شعراء: ۱۳۰) (همان، ص ۲۲۰۵). فرعون نیز به سبب روحیه خودکامگی، نکوهش شده است (طه: ۲۴)؛ زیرا حکومت وی آمیخته با ظلم و فساد و تباهی بود (همان، ص ۲۲۹۱) و خودمحموری رهبران، علت اصلی تمامی ظلم‌ها در قرآن معرفی شده است (غافر: ۲۶؛ یونس: ۷۵) و آنان برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی و هوس‌های خود، همواره دیگران را مورد ستم و استثمار قرار می‌دهند.

تحقیر و استضعاف مردم توسط رهبران برای مطیع کردن آنان (زخرف: ۵۴)، به شدت مذمت شده است؛ زیرا بیدار شدن مردم و آگاهی از روابط نظام‌های سیاسی و اعمال غیرقانونی، مستبدانه و ناعادلانه ایشان، بزرگ‌ترین دشمن نظام‌های خودکامه است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۸۳). فرعون با تبلیغات گمراه‌کننده، مردم را تحمیق کرده و با به زبونی کشاندن بنی‌اسرائیل، آنان را به اطاعت از خویش واداشته بود. این مسئله از سویی نشان‌دهنده تأثیر عمیق زمامداران در هدایت و گمراهی مردم است و از سوی دیگر، نشان می‌دهد اطاعت کورکورانه

– که حاصل جهت‌گیری‌های ضعیف شناختی است – ریشه در کوفته‌فکری و سطحی‌نگری انسان‌ها دارد و سبب پایداری حکومت‌های استبدادی می‌شود.

– از علل ایجاد علایق سیاسی منفی، انحصارطلبی رهبران است که تمامی منافع (امکانات، نعمت‌ها و ظرفیت‌ها) را از دیگران دریغ می‌کنند (نساء: ۵۳) و در انحصار خویش ننگه می‌دارند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۴۸۳؛ قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲۱) و چنان در سوءاستفاده از قدرت غوطه‌ورند که جز خویش و وابستگان خود، به کسی اجازه ورود به بازی قدرت را نمی‌دهند و کمترین حق را برای مردم و دیگران قائل‌اند (شفیعی، ۱۳۹۲، ص ۲۳) و از مشروعیت و مقبولیت ناچیزی نزد مردم برخوردارند. این مسئله سبب احساس منفی و تغییر در ملاک‌های ارزش‌گذاری افراد می‌شود.

– سطحی‌نگری و ساده‌لوحی رهبران، از خصایص منفی است که با واژه «مهین» در قرآن بیان شده است (زخرف: ۵۲). فرعون ناتوانی موسی علیه السلام از بیان مقاصد و اثبات مطالبش را نقطه ضعف و ملاک برتری خود مطرح می‌کرده است (قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۵۱۲۵) و طبقه و نوع تربیت اجتماعی آن حضرت را به گونه‌ای می‌دانست که در برخورد با مسائل، با سطحی‌نگری برخورد می‌کرد و توان اداره امور را نداشت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۹۲). این ملاک در بیان قرآن نشان می‌دهد که اطاعت از فرد ضعیف، بی‌تدبیر و سبک‌رأی که قدرت تمییز ندارد، در امور روزمره نیز مجاز نیست و در اداره نظام سیاسی از حرمت بالاتری برخوردار است (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۹۹)؛ زیرا سبب بی‌اعتمادی و حس منفی به نظام سیاسی و تصمیمات آن می‌شود.

– از مهم‌ترین شاخص‌های مولد علایق سیاسی منفی، نفاق رهبران است؛ زیرا منافق خدا را فراموش می‌کند و گفتاری متفاوت با کردارش دارد (منافقون: ۱؛ آل عمران: ۱۶۷؛ بقره: ۷ الی ۱۰؛ توبه: ۳۸؛ فتح: ۶) و با ایجاد مانع، درصد جلوگیری از تحقق اهداف نظام سیاسی یا همسو کردن آنها در جهت منافع خودشان هستند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵۶)؛ زیرا همواره امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند (توبه: ۶۷)؛ از ذکر خدا غافل‌اند و ریاکارند (منافقون: ۳؛ نساء: ۱۴۲)؛ پیمان‌شکن‌اند (توبه: ۷۵) و درصد افسادند (بقره: ۱۱ و ۱۲) و پیروی از ایشان، جز حرکت در مسیر طاغوت نخواهد بود (احزاب: ۱).

– از منظر ارزشی، هرگونه موافقت و تبعیت از دروغ‌گویان نهی شده است و آنان دورافتادگان از مسیر هدایت نامیده شده‌اند و توصیه به پیامبر صلی الله علیه و آله مبنی بر ایستادگی و انعطاف‌ناپذیری در برابر خواسته‌های تکذیب‌گران (قلم: ۸ و ۹) نشان از آن دارد که هرگونه تبعیت از آنان و سازش و دست برداشتن از مواضع خود، سبب ایجاد گمراهی خواهد شد (همان، ص ۳۳۳۱؛ قرائتی، ۱۳۸۵، ص ۶۱۵۰) و نتیجه‌ای جز سلب اعتماد و تخریب احساسات سیاسی نخواهد داشت.

– از نظرگاه ارزشی، اسراف تجاوز از حدود است و مسرفین حدود الهی را رعایت نمی‌کنند و با تجاوز به حقوق الهی و انسانی و استفاده از قدرت، برای رسیدن به خواسته‌های خود تلاش می‌کنند (شعرا: ۱۵۱). آنان سبب افساد و

خروج از مدار حق می‌شوند (قرآنی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۸) و جامعه را به سمت ایستایی و حتی قهقرا سوق می‌دهند. حکومت ایشان هرگز مشروع نیست و آنان لیاقت رهبری را ندارند (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۱۰۴).

- عهدشکنی تنها با کسانی که عهد خود را رعایت نکنند، مجاز شمرده شده است (توبه: ۷) و تولید احساس و ارزش‌دواری منفی، از آثار نقض عهد و پیمان است. در قرآن، عهدشکنی مذمت شده است (قرآنی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۷)؛ زیرا سبب بی‌اعتمادی و القای بی‌تفاوتی در مردم و عدم مشارکت در امور سیاسی خواهد شد.

- قلب هوسران از یاد خدا غافل است. چنین شخصی دنیاطلب و پیرو امیال شخصی و جناحی است، نه رشد و تعالی جامعه (همان، ص ۳۱۲۰). از منظر ارزشی، این تفکر در تضاد با فرهنگ سیاسی مطلوب است و اطاعت‌کنندگان از چنین فردی نیز کمکی به اجرای احکام الهی و پیاده‌سازی جامعه مطلوب الهی نخواهند کرد (جاوید، ۱۳۸۸، ص ۱۰۲).

در این پژوهش، ابتدا از منظر قرآن به شاخص‌های نظام و رهبران الهی مولد ارزش‌های سیاسی مثبت پرداخته شد که فرهنگ سیاسی مطلوب برآمده از آن نیز با الگوی مشارکتی هماهنگی داشت. در این قسمت، شاخص‌هایی که مولد ارزش‌های سه‌گانه سیاسی منفی هستند، بررسی گردید و از مقولات به‌دست آمده مشخص شد که فرهنگ سیاسی برخاسته از آنها، از نوع محدود است که مطلوب قرآن نیست.

جدول ۳. کدگذاری باز، محوری و گزینشی شاخص‌های رهبران طاغوتی

شاخص	مقولات	مقوله اصلی	مقوله هسته‌ای
شرک و کفر	ایجاد حس عدم تعلق و دوری از موضوعات سیاسی؛ ارزش‌دواری منفی؛ نفی زمینه‌های شناختی	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی منفی	فرهنگ سیاسی محدود
استعباد (دعوت به خود) تحقیر و استضعاف مردم	نفی ارزش‌های متعالی و کاهش شدید مشروعیت؛ عدم دخالت افراد در موضوعات سیاسی؛ تولید احساس منفی و تنزل شدید مقبولیت؛ قضاوت منفی درباره عملکرد حاکمان	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی منفی	
ظلم و استبداد	فاصله گرفتن افراد از دخالت در امور؛ احساس عدم تعلق و بی‌اعتنایی و تصور منفی درباره عملکرد حاکمان؛ جلوگیری از رشد شناختی؛ تغییر ملاک‌های ارزش‌گذاری و نفی مشروعیت	شناخت، عواطف، ارزش سیاسی منفی	
سطحی‌نگری و ساده‌لوحی	بی‌اعتمادی به عملکرد حاکمان؛ قضاوت منفی؛ کاهش شدید مقبولیت و مشروعیت	عواطف، ارزش سیاسی منفی	

	عواطف، ارزش سیاسی منفی	کم شدن میزان تعهد و تنزل مشروعیت؛ نفی ارزش‌های متعالی دینی؛ قضاوت منفی عملکرد حاکمان	نفاق
			اسراف
			هوسرانی
عواطف، ارزش سیاسی منفی	القای حس عدم تعلق؛ بی‌اعتمادی؛ قضاوت منفی و دوری از موضوعات سیاسی	پیمان‌شکنی	

نتیجه‌گیری

۱. بررسی فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن، با استفاده از روش نظریه‌ زمینه‌ای، فرایند کدگذاری و استخراج در بخش‌های نظام سیاسی، رهبران الهی و غیرالهی انجام شده است.
۲. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های قرآنی مرتبط با نظام‌های الهی و طاغوتی، به جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی و ارزشی مثبت و منفی در مردم می‌انجامد.
۳. نوع نگرش افراد به موضوعات سیاسی، آنان را به انواع محدود، تبعی و مشارکتی تقسیم می‌کند.
۴. در نظام الهی، شهروندان با جهت‌گیری مثبت، به اطاعت از زمامداران و قوانین نظام باور دارند و سطح مشارکت در موضوعات سیاسی چشمگیر است.
۵. فرهنگ سیاسی مطلوب قرآن در عرصه نظام، «مشارکتی» است و افراد با آگاهی‌ای که از موضوعات و مسائل سیاسی دارند و با شناخت از نقش خود، در امور سیاسی ورود دارند و حمایت‌ها و نظرات خود را برای رهبران و نظام سیاسی بیان می‌کنند.
۶. وجود مؤلفه‌های منفی در نظام طاغوتی و زمامداران، سبب جهت‌گیری منفی، کم شدن میزان مشارکت و اطاعت بر اساس ترس، فشار و کاهش شدید مشروعیت خواهد شد و نتیجه آن، پدید آمدن فرهنگ سیاسی محدود و نامطلوب است.

- قرآن کریم، ۱۳۷۹، ترجمه مکارم شیرازی، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- احسانی، احمد، ۱۳۸۶، فرهنگ سیاسی مردم: بررسی تطبیقی فرهنگ سیاسی مردم در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، قم، دفتر عقل.
- اراکي، محسن، ۱۳۹۳، فقه نظام سیاسی اسلام، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- اشتراس، آنسلم و جولیت کورین، ۱۳۸۵، اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبانی، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- آشوری، داریوش، ۱۳۷۹، تعریفها و مفهوم فرهنگ، تهران، آگاه.
- آقابخشی، علی اکبر، ۱۳۸۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
- آلموند، گابریل و دیگران، ۱۳۸۱، چارچوب نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- بی، ارل، ۱۳۸۱، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران، سمت.
- پالمر، موتی و دیگران، ۱۳۷۱، نگرشی جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران، وزارت امور خارجه.
- جاوید، محمدجواد، ۱۳۸۸، مشروعیت قدرت و مقبولیت دولت در قرآن، تهران، میزان.
- چیلکوت، رونالد، ۱۳۹۰، نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی، تهران، رسا.
- خان محمدی، یوسف، ۱۳۹۳، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن و مجتبی امامی‌فرد، ۱۳۸۶، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، ش ۲، ص ۶۹-۹۷.
- درخشه، جلال و احمد شریعتمداری، ۱۳۹۷، «مؤلفه‌های سازنده فرهنگ سیاسی شایسته در سپهر سیاست‌ورزی امام علی (ع)»، سیاست، ش ۴۵، ص ۱۹-۳۸.
- راغب اصفهانی، ابی‌القاسم حسین بن محمد، ۱۳۸۲، المفردات فی غریب القرآن، تهران، صادق.
- ربانی، علی و فرهاد شایگان‌فرد، ۱۳۸۹، «فرهنگ سیاسی ایران و مؤلفه‌هایش»، سیاست، ش ۱۶، ص ۱۲۳-۱۴۱.
- رفیع، حسین، ۱۳۹۷، «فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری»، سیاست، ش ۱۷، ص ۲۳-۴۱.
- شفیعی، محمود، ۱۳۹۲، «قرآن و فرهنگ سیاسی مطلوب و نامطلوب»، علوم سیاسی، ش ۶۱، ص ۷-۳۷.
- صدر، محمدباقر، ۱۳۸۰، المدرسة القرآنیة یحتوی علی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، قم، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر.
- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، سایت کتابناک (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
- طوسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تبیان (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

علم‌الهدی، احمد، ۱۳۹۳، *سیاست در قرآن (۱) و (۲)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فارسون، سمیح و مهرداد مشایخی، ۱۳۹۶، *فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

فانی، کامران و بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۷۹، *فرهنگ موضوعی قرآن مجید*، تهران، الهدی.

قاضی‌زاده، کاظم، ۱۳۸۹، *سیاست و حکومت در قرآن*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.

قرائتی، محسن، ۱۳۸۵، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

کشاورز، عباس، ۱۳۸۸، «درآمدی بر فرهنگ سیاسی در ایران»، *نقد و نظر*، ش ۷، ص ۱۷۲-۱۹۹.

کوئن، بروس، ۱۳۷۵، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا.

لک‌زایی، نجف، ۱۳۸۷، *درآمدی بر مستندات قرآنی فلسفه سیاسی امام خمینی*، قم، بوستان کتاب.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۰، *نظریه سیاسی اسلام*، ج ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، *امامت و رهبری*، قم، صدرا.

_____، ۱۳۸۹، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.

مظفر، محمدرضا، ۱۳۸۹، *المنطق*، قم، جامعه مدرسین.

معرفت، هادی، ۱۳۸۰، «سیاست و حکومت در قرآن»، *علوم سیاسی*، ش ۱۵، ص ۲۷-۳۴.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان ۱۳۸۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

نجات‌پور، مجید، زهرا صادقی و محمد یوسفی جویباری، ۱۳۹۶، «آسیب‌شناسی فرهنگ سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی»،

مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۳۷، ص ۸۳-۱۰۳.

نظرزاده، عبدالله، ۱۳۸۰، «آموزه‌های سیاسی قرآن کریم»، *علوم سیاسی*، ش ۱۵، ص ۳۵-۵۸.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان، ۱۳۸۶، *تفسیر راهنما*، قم، بوستان کتاب، مقاله‌ها (نسخه دیجیتال)، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

www.maarefquran.org

www.tebyan.net

www.hawzah.net

www.vajeyab.com

www.ibna.ir

www.wiki.ahlolbait.com